گزارش خبری

پاسخ قاطع ایران به حملات آمریکا باتهدیدات لفظی تکراری ترامپ و تصویب قطعنامه ضد ایرانی در آژانس همراه شد

هیاهوی جنگ‌طلبانه پس‌از شکست‌های میدانی

سرویس سیاسی | کاخ سفید که با قرار گرفتن در بازی بنیامین نتانیاهو و پیوستن به کارزار نظامی علیه ایران، خود را در باتلاق جنگ می‌بیند، ناکام از پیشبرد منافع در میدان، همزمان با عربده کشی و ادامه تهدیدات نظامی، آژانس بین‌المللی اتمی را به محملی برای مدیریت فشار بر جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. در این راستا، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دیروز قطعنامه‌ای ضدایرانی را با ۲۱رأی موافق، سه رأی مخالف (روسیه، چین و نیجر) و ۱۰رأی ممتنع، درباره برنامه هسته‌ای از تصویب گذراند. قطعنامه بدون محکوم کردن تجاوز غیرقانونی آمریکا به تهران و بمباران تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، از جمهوری اسلامی خواسته سرنوشت اورانیوم غنی شده‌ای که در تأسیسات بمباران شده نگهداری می‌شد را به آژانس اطلاع دهد. نمایندگی ایران در آژانس در پی این اقدام در بیانیه‌ای انتقادآمیز تأکید کرد: چطور می‌توان به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعتماد کرد، وقتی به ابزاری در دست جنگ‌افروزان تبدیل شده و چنان فلج و بی‌خاصیت شده که حتی نمی‌تواند یک نگرانی ساده را درباره گسترده‌ترین حملات مسلحانه و غیرقانونی تاریخ خود به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز و تحت پادمان یک کشور عضو ابراز کند؟ نمایندگی ایران در آژانس تصریح کرد: جمهوری اسلامی قطعنامه مخدوش آژانس را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت.

پیش‌تر سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در نامه‌ای که همزمان با برگزاری نشست فصلی ماه ژوئن شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارسال شد، یادآوری کرده بود که آمریکا بانی بحران موجود است و پیش‌نویس قطعنامه ارائه شده از سوی آمریکا را اقدامی سیاسی و از روی بدنیتی توصیف کرد. کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر امور خارجه کشورمان نیز پیش‌نویس قطعنامه ضدایرانی آمریکا و سه کشور اروپایی در شورای حکام را تلاشی خطرناک برای پاک‌سازی و سفیدشویی مسئولیت متجاوزان و جنایتکاران خوانده بود.

در نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین، آمریکا قطعنامه مذکور را با حمایت سه کشور انگلیس، فرانسه و آلمان به شورا ارائه کرده بود. در قطعنامه بدون اشاره به همکاری‌های همیشگی ایران با آژانس و نیز بی‌اعتنا به شرایط ناشی از حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه تأسیسات تحت پادمان ایران، نسبت به آنچه «تداوم ناکامی ایران در رفع عدم پایبندی خود طی ۱۲ ماه گذشته» خوانده شده، ابراز تأسف شده است. در متن قطعنامه ادعا شده ایران از ارائه اطلاعات و دسترسی‌های مورد درخواست آژانس برای راستی‌آزمایی مواد هسته‌ای اعلام‌شده قبلی خودداری کرده و آژانس به‌مدت یک سال قادر به راستی‌آزمایی این مواد نبوده است.

■تکرار سیاست مذاکره و جنگ ترامپ علیه ایران

موازی با این گام و افزایش فشارها در آژانس، دونالد ترامپ راهبرد مذاکره و جنگ علیه کشورمان را هم دنبال می‌کند. در این مسیر رئیس‌جمهور آمریکا بی‌توجه به ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای تهران، دیروز در سخنانی که بوی عصبانیت از ناکامی در میدان جنگ به مشام می‌رسید، در سخنانی حق به جانب و طلبکارانه اظهار کرد: من چند ماهی است که با ایران کار می‌کنم و آن‌ها باید توافق را امضا کنند. این یک توافق خوب است. در این توافق آن‌ها نمی‌توانند تسلیحات هسته‌ای داشته باشند. آن‌ها با این موضوع موافقت کرده‌اند؛ فقط امضای برگه‌ها مانده است! به اندازه کافی درباره آن مذاکره شده است؛ اما آن‌ها وقت بیشتری می‌خواهند.

دونالد ترامپ سپس در پاسخ به پرسش خبرنگاری که پرسید آیا قصد دارد به نیروگاه‌ها و پل‌های ایران حمله کند، گفت: به شما نمی‌گویم ولی می‌توانم این کار را انجام دهم. پاکستان هنوز هم در حال میانجی‌گری با ایران است. ما توافق باراک اوباما با ایران (توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران موسوم به برجام) را نمی‌خواهیم. خواهیم دید درباره این توافق چه خواهیم کرد. داریم به توافق با ایران نزدیک می‌شویم! آن‌ها می‌خواهند توافق کنند، اما خواهیم دید چه می‌شود! به درخواست پاکستان با ایران ترک مخاصمه کردیم. وی آرزوهای دست نیافتنی‌اش علیه تهران را این گونه ادعا کرد: دیروز به آن‌ها (ایران) حمله کردیم، امروز هم به آن‌ها حمله می‌کنیم... ایران مدام ما را احمق جلوه می‌دهد. آن‌ها دستگاه باورنکردنی (بالگرد پیشرفته آپاچی آمریکایی) را ساقط کردند.

بازخوانی ابعاد جدیدی از حمله آمریکا به لامرد در ابتدای جنگ اخیر
که در سایه دیگر جنایت‌های سردمداران واشنگتن و تل‌آویو گم شد

غبارزدایی از جنایتی با ۷۲۰هزار ترکش

سرویس سیاسی | غروب نهم اسفند ۱۴۰۴، نخستین روز جنگ تحمیلی سوم، آرامش شهر کوچک لامرد در جنوب کشور و کمی دورتر از سواحل نیلگون خلیج همیشگی فارس، با صدایی که آسمان را شکافت، درهم شکست. تنها ساعاتی پس از آنکه خبر حمله به مدرسه و جنایت بزرگ ائتلاف شر در میناب در میان مردم پیچیده بود، این بار دو موشک، مستقیماً به قلب یک سالن ورزشی در این شهر کوچک استان فارس برخورد کرد؛ جایی که در آن لحظات، تیمی از والیبالیست‌های زن مشغول تمرین بودند.

لحظات پس از اصابت، تصویری از ویرانی مطلق بود. امواج شوک‌ناشی از انفجار، شیشه‌های ساختمان را خرد کرد، سقف را در هم کوبید و ضلع اصلی سالن را در دوده‌ای سیاه و غلیظ فرو برد. بر اساس برآوردها ۷۲۰ هزار ترکش اصابت کرد و ۲۱ نفر جان باختند؛ در میان قربانیان، چهار کودک خردسال نیز بود که کوچک‌ترینشان دو سال داشت. ۱۰۰ تن دیگر با زخم‌هایی عمیق راهی بیمارستان شدند.

■جنایتی که از کشتار میناب کم نداشت

سیدموسی موسوی، نماینده مردم لامرد در مجلس، چند روز بعد، در شرح این فاجعه، آن را یکی از هولناک‌ترین جنایات «جنگ رمضان» نامید و با تأکید بر اینکه حتی یک فرد نظامی در میان ۱۷۰ شهید و زخمی حادثه حضور نداشت، اظهار کرد: در کمتر از ۳۵ ثانیه، بیش از ۲تُن مهمات بر سر محله‌های مسکونی فروریخته است. اما در حالی که گرد و غبار جنایت هنوز فرو ننشسته بود، نبردی دیگر در میدان روایت‌ها درگرفت. فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) بلافاصله هر گونه دخالت در این حمله را انکار کرد. با این حال، تحقیقات مستقل «بی‌بی‌سی وریفای» و «نیویورک تایمز» روایت متفاوتی را پیش کشیدند. کارشناسان مهمات، با بررسی فیلم‌ها و تصاویر، به نشانه‌هایی خیره‌کننده اشاره کردند؛ ویژگی‌هایی که با هیچ‌کدام از تسلیحات شناخته شده همخوانی نداشت. تحلیلگران از وجود «باله‌های کانارد» متمایز و انفجاری در ارتفاع که نشانگر کلاهک‌های تخصصی برای پخش گلوله‌های تنگستن است، سخن گفتند؛ سلاحی که برای انفجار دقیق بالای سر هدف طراحی شده است. نیویورک تایمز در گزارش خود، به نقل از یک مقام آمریکایی، تأیید کرد سلاح به‌کار رفته، نوعی موشک «ضربه هدفمند (Precision Strike)» بوده است که برای نخستین بار توسط ارتش ایالات متحده در میدان نبرد تست می‌شد. حالا لامرد، نه تنها به صحنه یک فاجعه انسانی، که به ایستگاه آزمایش مرگبارترین تسلیحات نوین تبدیل شده بود؛ داستانی که در آن، انکار مسئولان با شواهد فنی تحقیقات بین‌المللی در تضادی تلخ قرار گرفت.

■روایتی تکان‌دهنده از آنچه در لامرد گذشت

جواد موگویی، پژوهشگر و مستندساز اخیراً روایتی تکان‌دهنده از آنچه ۵عصر نهم اسفند در این شهر کوچک استان فارس گذشته ارائه کرده که شنیدنی است. وی در تشریح جنایت، هدف آمریکا از حمله مذکور را رقم زدن بالاترین تلفات انسانی دانست و گفت: در مورد این ماجرا، مردم اصلاً نمی‌دانستند چه اتفاقی افتاده و از چه بمبی استفاده شده است تا اینکه چند وقت پیش دو خبرنگار نیویورک تایمز گزارش کردند ارتش جنایتکار ایالات متحده برای نخستین بار در لامرد از یک سلاح کشتار جمعی ممنوعه استفاده کرده است. اسم موشک مد نظر «پریزیم» (PrSM) است؛ یعنی موشک ضربتی دقیق. موشک مذکور کوتاه‌برد (۶۰۰ کیلومتر) است و برای زدن پیاده‌نظام و وسایل نقلیه غیرزرهی استفاده می‌شود و ساخت شرکت لاکهد مارتین، بزرگ‌ترین شرکت جنگ‌افزاری دنیاست که اف-۳۵ را تولید می‌کند. راوی مجموعه «ماجرای جنگ۲» در تشریح جنایت بزرگ و کمتر شنیده‌شده در نخستین روزهای جنگ رمضان ادامه داد: به این دست عملیات‌ها «ارزیابی وضعیت» می‌گویند. موشک زمین نخورده، ۱۵ تا ۲۰ متر بالای زمین منفجر و در شعاع ۳۶۰ درجه ترکش‌ها پخش می‌شود. به همین دلیل هیچ گودالی روی زمین به عنوان محل اصابت وجود ندارد؛ هدف این بوده هر چه بیشتر تلفات انسانی بگیرند. هر موشک ۱۸۰ هزار ترکش داشته، چهار موشک شلیک شده که می‌شود ۷۲۰ هزار ترکش، یعنی برای شهر تقریباً ۳۰ هزار نفری لامرد برای هر نفر ۲۴ ترکش! در سایر موارد مثلاً موشکی به پادگان زده‌اند، اما صرفاً چند خانه اطراف تحت تأثیر قرار گرفته ولی بدتر اینکه در این ماجرا موشک اول تله بوده، بعد که مردم بیرون می‌آیند موشک دوم برخورد می‌کند که در مجموع ۱۷۰-۱۶۰ نفر زخمی می‌شوند. بسیاری همچنان ده‌ها ساچمه در بدن خود دارند. برخی نابینا شده‌اند، برخی دچار قطع عضو شده‌اند و بعضی خانواده‌ها هنوز درگیر درمان فرزندانشان هستند. سه ماه گذشت از لحظه‌ای که آسمان لامرد شکافت و چهار موشک در فاصله‌ای کوتاه بر فراز محله‌های مسکونی شهر منفجر شدند، نه روی یک پادگان، نه بر فراز یک پایگاه نظامی و نه در میدان نبرد؛ بلکه بر فراز خانه‌هایی که مردم در آن زندگی می‌کردند، کودکانی که بازی می‌کردند و خانواده‌هایی که برای افطار و پایان یک روز گرم روزه‌داری آماده می‌شدند. خدا رحم کرده ماه رمضان بوده و مردم در خانه در تدارک درست کردن افطار بودند وگرنه کشته‌ها بیش از ۲ یا ۳ هزار تن بود.

وی با زیر سؤال بردن کم‌کاری‌های رسانه‌ای در پوشش چنین اتفاقی تصریح کرد: این برای نخستین بار نیست که جنایت جنگی اتفاق می‌افتد. بسیاری از نبردها دارای چنین صحنه‌هایی است، فرانسه در الجزایر، آمریکا در ویتنام، عراق و افغانستان، صرب‌ها در بوسنی و... ولی پس از ۷ اکتبر آنچه رخ داد تلاش سازمان‌یافته آمریکا و رژیم صهیونیستی برای مخدوش کردن کلی صحنه جنایت با خط رسانه‌ها بود. مثلاً جایی را زده و بعد مدعی می‌شوند زیر آن مقر نظامی بوده و این گونه اصل رویداد را انکار کرده و نمی‌گذارند ابعاد جنایت آن‌ها به افکار عمومی و دادگاه لاهه کشیده شود. اگر چنین نباشد، آمریکا با وجود چنین جنایتی و زدن سالن ورزشی هرگز نباید میزبان مهم‌ترین تورنمنت فوتبال بود. به دنیا کاری ندارم خودمان کم‌کاری داشته‌ایم وگرنه باید از لامرد، هیروشیما می‌ساختیم. الان سه ماه از جنگ گذشته هیچ کاری نکرده‌ایم، حتی استاندار فارس سری به این شهر نزده و بعد می‌خواهیم دنیا صدای ما را بشنود. باید چنین اتفاقاتی را ثبت و روایت کنیم. من اگر جای بازیکنان تیم ملی بودم اسم لامرد را روی پیراهنم هک کرده و وارد زمین می‌شدم تا دنیا بداند چه جنایاتی در حق مردم ایران صورت گرفته است. رسانه‌ها هم باید در این زمینه فعال شده و صدای مظلومیت و حقانیت ما را به دنیا برسانند.

روزشمار جنگ | روز صد و چهارم

انهدام بالگرد پیشرفته، ترامپ را بیش از پیش زیر فشار قرار داده است

حمله به مخازن آب، «دفاع مشروع» آمریکایی!

روز گذشته، آمریکا با هیبتی پوشالی دوباره وارد میدان نبرد نظامی شد. ترامپ در حالی که از سرنگونی بالگرد آپاچی کشورش در تنگه هرمز خشمگین شده بود، اهدافی را در ایران مورد حمله قرار داد که بلافاصله سپاه پاسداران، با موشکباران متقابل پایگاه‌های سنتکام در بحرین، کویت و اردن، پاسخ قاطعی به این حمله داد و روشن شد توان نظامی نیروهای مسلح ایران در بالاترین سطح آمادگی است. این زد و خورد، واشنگتن را در وضعیتی قرار داده که برای حفاظت از ناوگانش، ناچار است امنیت راهبردی متحدان منطقه‌ای خود را قربانی کند.

■معمای آپاچی

مهم‌ترین تحول ۲۴ ساعت گذشته سرنگونی بالگرد تهاجمی آپاچی ارتش آمریکا بر فراز تنگه هرمز بود. همان طور که لفگانگ پوشتای، تحلیلگر امنیتی به‌درستی اشاره کرده است حضور آپاچی‌ها در این آبراه، برای حفاظت از شناورهایی بود که در تاریکی شب و برای شکستن اراده حاکمیتی ایران، قصد عبور از هرمز را داشتند. سرنگونی این بالگرد، یک پیام عملیاتی صریح داشت: «ایران اجازه هیچ گونه دور زدن قواعد حقوقی خود در هرمز را نخواهد داد». واکنش شتاب‌زده سنتکام در هدف قرار دادن سایت‌های راداری در جنوب ایران (قشم و سیریک) با عنوان «دفاع مشروع»، در واقع تلاش پنتاگون برای پوشاندن ضعف لجستیکی خود در تأمین امنیت عملیات موسوم به «پروژه آزادی» بود. انهدام دو مخزن بتنی با ظرفیت ۵۰۰ و هزار و ۵۰۰ مترمکعبی در بخش بمانی استان هرمزگان و اختلال در تأمین آب ساکنان محلی نه تنها نشانی از اقتخار ندارد، بلکه مصداق بارز جنایت جنگی است. این مخازن تأمین‌کننده آب شرب شهر کوهستک و ۱۰ روستای اطراف بودند.

■تغییر جغرافیای تنبیه؛ از بحرین تا اردن

اما اشتباه محاسباتی آمریکا، در پاسخ قاطع دستگاه نظامی ایران عریان شد. سپاه پاسداران به جای تمرکز صرف بر اهداف دریایی، راهبرد «توسعه جبهه تنبیه» را فعال کرد. شلیک موشک‌های بالستیک و پهپاد به مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین و پایگاه‌های مستقر در کویت و برای نخستین بار هدف قرار دادن آشیانه جنگنده‌های اف-۳۵ در اردن، نشان‌دهنده یک پارادایم‌شیفت (تغییر الگو) اساسی است. ایران به صراحت به شریکان منطقه‌ای واشنگتن (که اکنون با دستپاچگی در حال صدور بیانیه‌های محکومیت هستند) فهماند که «میزبانی از ماشه آمریکایی، مستلزم پذیرش ترکش‌های ایرانی است». این حملات، ادعای ترامپ مبنی بر «نابودی توان نظامی ایران در سه روز اول جنگ» را به یک کمدی تلخ برای فرماندهان سنتکام تبدیل کرد.

■لفاظی ترامپ؛ فرار به جلو در سایه تورم

در عرصه دیپلماسی، صحبت‌های ترامپ مبنی بر اینکه ایران «فرصت مذاکره را از دست داده و اکنون باید تاوان بدهد»، تکرار مکرر یک استیصال سیاسی در آستانه انتخابات است. رئیس‌جمهور آمریکا می‌داند مذاکرات غیرمستقیم، به دلیل اصرار واشنگتن بر خلع سلاح هسته‌ای و امتناع ایران از پذیرش آن، به بن‌بست رسیده است. ترامپ اکنون در تلاش است با ایجاد هیاهو، افکار عمومی آمریکا را از واقعیت «بنزین گران» و «هزینه ۲۹ میلیارد دلاری جنگ بی‌حاصل» منحرف کند. در مقابل مسعود پزشکیان تأکید کرد ایران به دنبال عبور از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» است، اما هیچ‌گاه امنیت ملی خود را وجه‌المصالحه قرار نمی‌دهد. ایران می‌داند گذر زمان، با توجه به فشار بازارهای انرژی بر اروپا و آمریکا، در نهایت واشنگتن را مجبور به پذیرش واقعیت میدان خواهد کرد. شاید خیلی زود!

■لبنان و غزه؛ خون‌بهای بن‌بست واشنگتن

در لبنان و فلسطین غیرنظامیان هنوز در حال پرداخت بهای دیپلماسی فلج آمریکا هستند. بمباران یک چادر عروسی در شهر غزه (با پنج شهید و ۱۵ مجروح) و صدور فرامین تخلیه جدید برای شهر «صور» در جنوب لبنان، نشان‌دهنده استراتژی نتانیاهو برای تداوم جنگ فرسایشی است. اسرائیل برای بقای کابینه‌اش نیازمند تداوم بحران است و از هر گونه توافق میان ایران و آمریکا وحشت دارد. اقدام فرانسه در ممنوع‌الورود کردن وزیران افراطی اسرائیل نشان می‌دهد حتی اروپا نیز از رفتار جنون‌آمیز تل‌آویو خسته شده است.

■ایستگاه صد و چهارم؛ موازنه اراده‌ها

اکنون آمریکا در تلاش است با صدور قطعنامه در شورای حکام و تحریم‌های خزانه‌داری، ضعف خود در دریا را جبران کند. اما ایران با کنترل هوشمندانه هرمز و پاسخ دقیق به پایگاه‌های منطقه‌ای، نشان داده معماری امنیت خاورمیانه، دیگر با دستورالعمل‌های کاخ سفید تنظیم نمی‌شود. فردا، ترامپ باید میان دو گزینه دردناک یکی را انتخاب کند؛ تداوم لجاجت و ورود به یک جنگ منطقه‌ای که اقتصاد غرب را متلاشی می‌کند و یا پذیرش شروط ایران و پایان دادن به محاصره.

دیدگاه

مرور تحولات جاری منطقه که بر پیش‌بینی رهبر شهید صحه می‌گذارد

پیروزی راهبردی تهران، فرسایش استراتژیک تل‌آویو

مهدی گنجی مهنه، پژوهشگر حوزه اقتصاد و سیاست | آتش‌بس میان ایران و آمریکا که در اردیبهشت ۱۴۰۵ از طریق میانجی‌گری پاکستان برقرار شد، روز اول خرداد ۱۴۰۵ با نقض آشکار از سوی رژیم صهیونیستی شکسته شد. رژیم که در جنگ تحمیلی سوم متعهد به توقف حملات به لبنان شده بود، با بمباران جدید بیروت و ادامه تجاوزها به جنوب این کشور، بار دیگر خط قرمز را نادیده گرفت. ایران بارها هشدار داده بود که آتش‌بس شامل «تمام جبهه‌ها از جمله لبنان» بوده و هر گونه نقض آن در یک جبهه، نقض آتش‌بس در تمام جبهه‌ها تلقی خواهد شد.

■بخش نخست: جنگ تحمیلی سوم و نقض آتش‌بس

پس از برقراری آتش‌بس، رژیم صهیونیستی دوباره حملات خود به لبنان را آغاز کرد. بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، محاصره دریایی آمریکا و تشدید جنایت‌های جنگی رژیم صهیونیستی در لبنان، نقض آشکار آتش‌بس محسوب می‌شود. در پی نقض آتش‌بس، تیم مذاکره‌کننده ایران تبادل پیام‌ها با آمریکا از طریق میانجی‌ها را به‌طور موقت تعلیق کرد. ایران اعلام کرد هر گونه تجاوز جدید به لبنان، با پاسخ قاطع و فوری مواجه خواهد شد. لبنان یکی از محورهای اصلی آتش‌بس بوده و نقض آن در این جبهه، به معنای پایان آتش‌بس در تمام جبهه‌هاست.

■بخش دوم: پیروزی راهبردی ایران؛ تثبیت کنترل بر تنگه هرمز

با وجود نقض آتش‌بس از سوی دشمن، ایران توانست معادلات قدرت در خلیج فارس را به نفع خود تغییر دهد. بر اساس گزارش‌های معتبر، جمهوری اسلامی موفق شده بخش قابل توجهی از زیرساخت‌های موشکی زیرزمینی خود را بازسازی کند. تصاویر ماهواره‌ای بررسی شده توسط سی‌ان‌ان نشان می‌دهد ایران ۵۰ ورودی از ۶۹ ورودی تونل‌های موشکی را که هدف حملات آمریکا و اسرائیل قرار گرفته بود، مجدداً بازگشایی کرده است. کارشناسان معتقدند این تحول نشان می‌دهد توان موشکی ایران بسیار فراتر از برآوردهای اولیه دشمن است. یکی از پیامدهای مهم این پیروزی، فروپاشی پروژه کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) بود. این کریدور که با هدف دور زدن ایران طراحی شده بود، با تسلط ایران بر تنگه هرمز و تشدید اقتدار در باب‌المندب توسط محور مقاومت، عملاً از کار افتاده است.

■بخش سوم: شاخص‌های افول رژیم صهیونیستی و پیش‌بینی رهبر شهید

همزمان گزارش رسانه‌های بین‌المللی بر افول رژیم صهیونیستی تأکید دارد. روزنامه «هاآرتص» با صراحت اذعان کرد: هیچ یک از اهداف جنون‌آمیز جنگ محقق نشد؛ نه نابودی برنامه هسته‌ای، نه پایان تهدید موشکی و نه تغییر رژیم. این رسانه عبری همچنین تأکید کرد: هدف «پیروزی مطلق» نتانیاهو به «شکست راهبردی» تبدیل شده است. روزنامه «معاریو» نوشت: ائتلافی که اسرائیل در تلاش برای ساخت آن علیه ایران بود، نتیجه مورد انتظار را نداده است. این روزنامه همچنین اذعان کرد: ادامه جنگ تحت فرمول کنونی نه تنها به پیروزی منجر نمی‌شود، بلکه اسرائیل را به سمت پرتگاه عمیقی پیش می‌راند. «واشنگتن پست» بیان کرد: جنگ‌های نتانیاهو علیه غزه، لبنان، سوریه، ایران و یمن، اسرائیل را در مسیر فرسایش نظامی، شکست راهبردی و انزوای جهانی قرار داده است. این گزارش افزود: حمایت جهانی از رژیم صهیونیستی به شدت کاهش یافته و این رژیم اکنون به طرز خطرناکی به حمایت نظامی آمریکا وابسته است. روزنامه «گاردین» در تحلیلی نوشت: پس از سال‌ها تهدید نتانیاهو علیه ایران، درگیری اسرائیل با ایران با شکست کامل به پایان رسیده است. تحلیلگران گاردین تأکید کردند ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا مبنی بر «مسخره بودن» پیش‌بینی‌های اسرائیل درباره تغییر رژیم در ایران، کاملاً درست از آب درآمده است. آبراهام برگ، رئیس اسبق کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی) نیز در یادداشتی در وب‌سایت «والا» تأکید کرد: اسرائیل در جنگ با غزه، لبنان و ایران به اهداف خود دست نیافته است. «پیروزی مطلق» در غزه به یک مسخره توخالی پر از گورها، خانه‌های عزادار و خرابه‌های زندگی تبدیل شده است.

موارد گفته شده در حالی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در شهریورماه ۱۳۹۴ در سخنرانی خود فرمودند: شما ۲۵ سال آینده را نخواهید دید. ان‌شاءالله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت. این سخن قاطع و آینده‌نگر، امروز با گذشت ۱۱ سال و با وقوع جنگ تحمیلی سوم، نقض آتش‌بس توسط این رژیم و اعترافات رسانه‌ها و مقامات سابق اسرائیلی به شکست راهبردی، بیش از پیش به تحقق نزدیک شده است. رژیم صهیونیستی که نفس‌های آخر خود را می‌کشد، با هر تجاوز جدید، جایگاه خود را در منطقه ضعیف‌تر می‌کند.

■بخش چهارم: گفتمان جدید امت اسلامی

نقض آتش‌بس توسط رژیم صهیونیستی بار دیگر ثابت کرد این رژیم قابل اعتماد نیست و تنها منطق مقاومت و ایستادگی، پاسخگوی تجاوزهای آن‌ها خواهد بود. همبستگی ایران و لبنان در برابر تجاوزهای رژیم صهیونیستی، نشان‌دهنده عمق راهبردی جبهه مقاومت است. نظم جدید منطقه دیگر جایی برای پایگاه‌های آمریکایی و هژمونی صهیونیستی نخواهد داشت.

ایران که از ابتدا تأکید داشت آتش‌بس باید شامل تمام جبهه‌ها از جمله لبنان باشد، اکنون با قدرت در برابر تجاوزها ایستاده است. پیروزی در جنگ تحمیلی سوم، ضمن تثبیت کنترل ایران بر تنگه هرمز و شکست پروژه‌های ترانزیتی رقیب، معادلات قدرت را به نفع محور مقاومت تغییر داده است. مهم‌تر از همه، نشانه‌های تحقق پیش‌بینی رهبر شهید درباره پایان رژیم صهیونیستی، با هر تجاوز جدید این رژیم آشکارتر می‌شود. رسانه‌های اسرائیلی خود اذعان دارند این رژیم در جنگ فرسایشی گرفتار آمده و به سمت پرتگاه پیش می‌رود. آنچه امروز از آن با عنوان «نظم نوین در منطقه غرب آسیا» یاد می‌شود، دیگر جایی برای پایگاه‌های آمریکایی و هژمونی صهیونیستی ندارد. این، همان وعده الهی است که تحقق آن نزدیک شده است.